مطالعه‌ی علل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر پدیده‌ی تکدّی‌گری؛ مطالعه‌ی موردی در شهر مشهد

علی شکوری[1]، حمید معتمدی[2]

تاریخ دریافت:۱۳۹۱/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش:۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

این مقاله به مطالعه‌ی علل اقتصادی و اجتماعی تکدّی‌گری در شهر مشهد پرداخته است. نویسندگان از رویکردهای جامعه‌شناختی و سیاست اجتماعی برای روشن‌شدن ابعاد مفهومی و نظری آن سود جسته‌اند و از روش کیفی و فنونی چون مصاحبه‌های عمیق و نیمه سازمان‌یافته و مشاهده‌ی وضعیّت ظاهری و شیوه‌ها و شگردهای تکدّی‌گری آن‌ها برای شناخت، تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. پدیده‌ی تکدّی‌گری با دو دسته عوامل مشتمل بر مستعد کننده‌های محیطی و عوامل مستقیم اثر گذار مرتبط است که از طریق برانگیختن احساسات نوع‌دوستانه‌ی ترحم‌آمیز عمل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل مهمی چون ماهیّت شهر مشهد از نظر مذهبی بودن و مهاجرپذیری و ویژگی‌های متکدّیان مانند وضعیّت جسمانی نامناسب، سطح تحصیلات پایین، نابه‌سامانی خانوادگی، فقدان قابلیّت‌های پایه‌ای و فقر و بی‌کاری آنان از عوامل تعیین کننده‌ای بودند که یک‌دیگر را تقویت می‌کردند و به بروز شرایط درماندگی و پذیرش نقش تکدّی‌گری انجامیدند. هم‌چنین مطالعه نشان داد که پذیرش نقش تکدیگری از طریق فرایند اجتماعی- روانی تحقیرکننده‌ی عزت‌نفس عادی شده و استمرار پیدا کرده است. بنابراین، برخلاف نظریاتی که متکدّیان را به بی‌همتی و رذیلت اخلاقی متهم می‌کند؛ براساس دستاوردهای این مقاله این‌ها علل مؤخر و ثانویه‌اند و فقر و درماندگی و متغیّرهای مرتبط نقش اساسی‌تر را در این فرایند ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تکدّی‌گری، انحرافات اجتماعی، طرد اجتماعی، فقر

مقدّمه

تکدّی‌گری یکی از معضلات شهرهای بزرگ است و یکی از بارزترین محرومیّت‌ها و درعین‌حال وجود آشکاترین موانع ساختاری را در دسترسی به منابع مهم هویّتی و معنی‌بخشی به زندگی مانند بازار کار، آموزش و فراگیری مهارت‌ها، و فراغت مبتنی بر مصرف نمایان می‌کند که هنوز هم در جوامع مدرن به حیات خود ادامه

[1]- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران(نویسنده مسؤول) shakoori@ut.ac.ir

[2]- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و کارشناس شورای شهر مشهد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

می‌دهد. تکدّی‌گری یکی از موضوعات و مسایل پاردوکسیکال و متناقض حیات بشری است. از یک‌سو، تکدّی‌گری در ظاهر مسایلی چون نیازمندی، ناتوانی و درماندگی عریان و غیرمقصرانه هم‌نوعان را در رفع نیازهای ابتدایی و انسانی برملا می‌کند که در غالب موارد به‌ویژه در موقعیّت‌های برخورد و تماس سبب برانگیختگی عطوفت، حس کمک، نوع‌دوستی و دگرخواهی افراد می‌شود؛ از سوی دیگر، نوعی بی‌قدرتی، عافیت‌طلبی، زندگی انگل‌وار و ارتزاق از دسترنج دیگران را در انظار منعکس می‌کند که بیان‌کننده‌ی مسایل و آسیب‌های متعدد فردی و اجتماعی است. بنابراین، این پدیده از یک سو مبیّن سرریزهای اجتماعی است که ناتوانی و شکست سیاست‌های اجتماعی را در پاسخ‌گویی به نیازهای اولیه فقیرترین آحاد جامعه به رخ می‌کشاند. از سوی دیگر بیان‌کننده‌ی نزول اخلاقی، فقر فرهنگی و تباهی اجتماعی است که جامعه با ساز و کارهای حمایتی غیر رسمی قادر به تأمین زندگی حداقلی شرافت‌مندانه برای اعضای خود نیست. از آن‌جا که تکدّی‌گری به‌گونه‌ای ناتوانی ساختاری(رسمی و غیررسمی)، فقر و نابرابری با نوع خاصی ابراز نیاز و تأمین آن همراه می‌کند ماهیّتاً نوعی ننگ، شرمساری و مظاهر رفتاری نامقبول، نه لزوماً غیر اخلاقی، را برای جامعه و بالاخص دست‌اندکاران نمایان می‌کند، به‌همین سبب این پدیده یکی از دغدغه‌های سیاستی و تحقیقاتی سیاست‌گذاران و محققان را در بیش‌تر جوامع تشکیل می‌دهد. طیفی از رویکردها و نحوه‌ی برخورد با پدیده‌ی تکدّی‌گری را هم به‌لحاظ حقوقی و هم به‌لحاظ عملی می‌توان در میان جوامع مشاهده کرد که غالباً خصلت سلبی دارند. در برخی کشورها این مسأله قانونی و در برخی دیگر غیرقانونی است[1]. حتّی در کشورهایی که گدایی قانونی است استفاده از واسطه‌ها و به خدمت گرفتن دیگران برای گداییِ افراد یا باندهای سازمان‌یافته ممنوع تلقی می‌شود. گرایش‌های اخیر در برخی کشورها مانند امریکا و اروپا در سطوح سیاستی بیش‌تر معطوف به جنایی و انحرافی تلقی کردن عمل تکدّی‌گری به‌ویژه از نوع سازمان یافته‌ی آن است(میجل ۲۰۰۵ و هاپکینز بورک ۲۰۰۰).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

با این وصف حتّی در کشورهایی کـه فعّالیّـت متکـدّیان از نظـر قـانونی مجـاز شناخته می‌شود، از نظر اجتماعی چندان پسندیده تلقی نمی‌شود. نکته‌ی قابـل ذکـر در رابطه با تکدّی‌گری، علاوه بر ماهیّت ناخوشایند و پیامدهای مختلـف آن، پراکنـدگی و تمرکز آن است. بدین معنی که برخی مناطق یا محل‌ها بیش‌تر محل فعّالیّـت متکـدّیان است. به‌لحاظ کمّی و اشکال فعّالیّت شهرها عموماً بیش‌تر مستعد رشد متکدّیان اسـت. در میان شهرها نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود.

در ایران مسأله‌ی تکـدّی‌گـری هماننـد سـایر کشـورها سـابقه‌ای دیـرین دارد. شهرهای کشور ما نیز به‌لحاظ توزیع کمّی تمرکز گدایان از کم گداترین یا بی‌گـداترین متغیّر است. با توجّه به مذموم بودن آن به‌لحاظ فرهنگی و غیرقانونی بودن آن پیوسته از دغدغه‌های مقامات کشوری و محلی مانند شهرداری‌ها بوده است. طرح‌های ساماندهی و جمع‌آوری گدایان در شهرهای بزرگ که به‌صورت دوره‌ای اعلام و اعمـال مـی‌شـود گویای اهمّیّت این واقعیّت است. پایداری این پدیده نیز هم گواه بر ناتوانی برنامه‌های ساماندهی و هم دال بر ریشه‌داری و پیچیدگی علل این پدیده در جامعه‌ی شهری است. علی‌رغم این واقعیّت که تکدّی‌گری جنبه‌ای پنهانی و زیرزمینـی هـم دارد و بـه‌دسـت آوردن آمار دقیق از تعداد متکدّیان، کار بسیار مشکلی اسـت، برآوردهـای انجـام شـده ازسوی ستادهای استانی وزارت کشور عمق پدیده را نمایان می‌کند. برای مثال، تعـداد متکدّیان جمع آوری شده، بر طبق پرسش‌نامه‌های خود اظهاری متکـدّیان کـه ازسـوی ستادهای استانی، به وزارت کشور ارسال شده اسـت در سـال ۱۳۸۰ بـرای ۲۸ اسـتان کشور ۲۲۹۳۸ نفر بوده است(حاجیان مطلق، ۱۳۸۱). بررسـی توزیـع متکـدّیان نیـز در استان‌های کشور ارقام متفاوت و در مواردی غیر عادی را نشان می‌دهد. ایـن موضـوع به‌ویژه درباره‌ی شهر مشهد صدق می‌کند. به‌طوری که «مدیر اردوگاه متکـدّیان خانـه‌ی سبز مشهد بیان می‌دارد که ما از پاکستان، افغان استان و سایر کشورهای هم‌سایه متکدّی داریم و اگر بگوییم حدود ۱۰ هزار نفر متکدّی به‌صورت پنهـان یـا آشـکار در مشـهد وجـود دارد، اغـراق نکـرده‌ایـم»(روزنامـه قـدس، ۱۳۸٦/۰٤/۱۹). ایـن نسـبت بـالای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تکدّی‌گری در شهر مشهد سؤالات مختلفی را مطرح می‌کند. این‌که چـرا تکـدّی‌گـری علی‌رغم این‌که مورد تأیید جامعه نیست، اشاعه می‌یابد و عده‌ای به این امر گرایش پیدا می‌کنند؟ مطالعه حاضر سعی می‌کند تکدّی‌گری را در شهر مشـهد بـا تأکیـد بـر علـل اقتصادی و اجتماعی آن از طریق روش مطالعه کیفی مورد کنکاش قرار دهد.

چارچوب مفهومی و نظری

واژه‌های مرتبط با «تکدی» متعدد و نشان‌دهنده‌ی پیچیـدگی مفهـومی ایـن واژه است. در لغت‌نامه‌ی دهخدا «تکدّی» چنین تعریف شده است: «عمـل گـدا، کـار گـدا، بی‌نوایی، تنگدستی، فقر، درویشی، شکست، بی‌چیزی و سـؤال»(دهخـدا ۱۳٦٤: ۲۱۱). تکدّی را می‌توان با عنوان «دست دراز کردن» برای کسب درآمد و احتمـالاً «سـؤال بـه کف» نیز معنا کرد. تکدّی فراگردی است که بـه موجـب آن، فـرد متکـدّی از دسـترنج دیگران بهره مند می‌شود و زندگی می گذراند. بر این اساس هر یک از افراد جامعـه را که نه حرفه‌ای(در مفهوم اقتصادی و رسمی آن) در اختیار دارند و نه در تولید اجتماعی سهمی دارند بلکه همواره با شیوه‌ها و شگردهای مختلف، طفیلی جامعـه‌انـد، متکـدّی تلقی می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت که تکدی عبارت است از درخواسـت کمـک بدون خدمات متقابل به‌صورت پول یا کالا از دیگرانـی کـه هـیچ وظیفـه‌ی قـانونی در برآوردن این درخواست ندارند و بر این اساس متکدی کسی است که دست به چنـین عملی می‌زند.

همان‌گونه که آدریان‌سنز و هندریکس(۲۰۰۸: ۲۳) اظهار می‌دارنـد تکـدّی‌گـری یک کنش است، ازاین‌رو نظریات مربوط برای برساختن دلایـل و نیّـت کنشـگر بـرای انجام فعل خود الهام بخش موضوع خواهد بود. در این مطالعه نیز از آن‌جـا کـه عمـل مذکور در ارتباط با دیگران رخ می‌دهد، به عنـوان کـنش اجتمـاعی تعریـف مـی‌شـود. درخصوص این‌که این کنش‌ها چرا بروز می‌کنند و به عبارتی چرا افراد دست به تکدی می‌زنند؟ طیفی از نظریات یا پاسخ‌های نظری مختلفی را در پژوهش می‌توان یافت کـه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ماهیّت این پدیده و دلایل روی‌آوری برخی افراد را به تکدّی‌گری تبیین می‌کند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

به لحاظ ماهیّت دو رویکرد عمده قابل ذکرند:

نخست، رویکردی است که فعّالیّت تکدّی‌گری را در چارچوب فعّالیّت‌های غیر رسمی طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. برای علت تکدّی‌گری، یک پاسخ کلی و ثابت این است که تکدّی‌گری کارکردهای آشکار مشابهی با کارکردهای کار کردن به مفهوم عام دارد، و آن با هدف کسب درآمد صورت می‌گیرد(دن و گیل ۱۹۹۹: ۱۶-۱۸ و دونوون ۲۰۰۸: ۳۰-۳۵). این رویکرد، وجود کلاهبرداری، فریب، و انحرافات سازمان یافته را در تکدّی‌گری نفی نمی‌کند، بلکه صرفاً این نوع فعّالیّت را جزء کنش‌های هدف‌مند و مهم افراد در پیوند با ادامه‌ی حیات تلقی می‌کند. خواه این‌که تکدّی‌گری به عنوان فعّالیّت درآمدزا، به‌صورت اختیاری و آزادانه انتخاب و یا تحت شرایط اجباری تحمیل شود.

وجه ممیزه و درعین‌حال مشابه تکدّی‌گری با فعّالیّت‌های غیررسمی این است که همانند کارهای غیررسمی در مکان‌های عمومی انجام می‌شود و غیرمشابه با آن‌ها، این‌که سائل بدون جبران، بدون خدمات یا هدیه‌ی متقابل، از سایر هم‌نوعان در خواست کمک جنسی یا نقدی می‌کند. تکدّی‌گری در این مفهوم، به عبارت فیج(۱۹۹۹) بخشی از «آن فعّالیّت‌های اقتصادی است که هزینه‌ها [ی کار رسمی] را دور می‌زند و از منافع و حقوق... جامعه‌ی رسمی محروم است»(نقل در آدریان‌سنز و هندریکس ۲۰۱۰: ۲٤). این مفهوم همانند فعّالیّت‌های غیررسمی خیابانی و در ملأ عام، رابطه‌ی ناموزون با فعالان رسمی و اصلی این مکان‌ها دارد. قاعدتاً نیز کار تکدّی‌گری متکدّیان را صاحب حقوق و مزایای رسمی نمی‌کند، از این رو آن‌ها به‌علت تکدّی‌شان حمایت قانونی و دسترسی رسمی به مزیت‌های مشاغل رسمی مانند بیمه و غیره را ندارند(همان). در واقع متکدّیان برای گدایی‌شان از هیچ مزیت اجتماعی برخوردار نیستند و اساساً با ناامنی درآمد و حتّی با سرکوب و تعقیب جسته و گریخته مأموران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پلیس مواجه‌اند. به قول پورتز و هالر(۲۰۰۵) حتّی در داخل اقتصاد رسمی تکدّی‌گری نیز در گروه فعّالیّت‌های ادامه‌ی بقا شمرده می‌شود که در موقعیّت اقتصادی بی‌نوایی و درماندگی صورت می‌گیرد. بنابراین از این منظر انگیزه‌ی اصلی از تکدّی‌گری کسب منابع معیشت است و در ردیف یا مشابه مشاغل بخش غیررسمی قرار می‌گیرد.

رویکرد دوم، رویکرد ناهنجاری و کج‌رفتاری اجتماعی است. به‌لحاظ سنّتی و از منظر عامه تکدّی‌گری در قالب یک کنش هنجارمند تلقی نمی‌شود، و به دلیل آن‌که متکدّی برای دریافت کمک به انواع حیل و ظاهرسازی توسل می‌جوید تا از احساسات نوع‌دوستانه و خالصانه‌ی مردم برای جلب ترحم بیش‌تر سوءاستفاده کند، عملی نکوهیده به‌شمار می‌آید. به‌علت مورد نکوهش قرار گرفتن تکدّی‌گری در جامعه، این رفتار مورد تأیید ارزش‌های عام نیست و از آن به عنوان یک رفتار انحرافی و ناهنجار یا حداقل ناپسند یاد می‌شود(بکر ۲۰۰۹: ۲۱۲-۲۱٤ و ستوده ۱۳۷۸: ٤۸).

تکدّی‌گری به عنوان رفتاری آسیب‌شناختی یک مسأله‌ی اجتماعی، نه لزوماً به مفهوم کمّی بلکه غالباً به مفهوم کیفی آن، تلقی می‌شود. بدین‌علت که این نوع مسایل به قول آلن بیرو ناشی از عدم کنترل‌ها، مشکلات فردی و ساختاری یا بن بست‌هایی است که خروج از آن‌ها برای افراد محروم امکان‌پذیر نیست(۱۳۷٦: ۲۷۲). مسایل اجتماعی و متعلّقات آن، شرایط ساختاری یا الگوهای کنشی ایجاد می‌کنند که در مسیر تحوّلات اجتماعی بر سر راه پیشرفت، یعنی وضعیّت موجود و وضعیّت مطلوب، قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده‌ی ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها می‌شوند(عبداللهی، ۱۳۸۰: ۹). این نوع مسایل به وضعیّت نامطلوب گفته می‌شود؛ از این‌رو اولاً با هنجارهای مورد تأیید جامعه در تضادند و در ثانی عده‌ی زیادی از مردم جامعه خواستار تغییر آن وضعیّت هستند. بر این اساس مشاهده می‌شود، وجود متکدی وضعیّت نامطلوب را نمایان می‌کند که با هنجارهای رایج اجتماعی در تضاد است و بسیاری از شهروندان از این وضعیّت متأثر می‌شوند و خواهان تغییر آن هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

درخصوص این‌که به‌طور مشخص چه عوامل و انگیزه‌هایی سبب تکدّی‌گری می‌شود شاید بتوان به تبیین‌ها و نظریات زیر اشاره کرد.

یکی از تبیین‌کننده‌ها به نظریه‌ی تلاقی محیط‌های مستعد کننده و برانگیزاننده‌های عام نوع‌دوستانه و کمک به دیگران مربوط می‌شود. این نظریه تکدّی‌گری را نتیجه و تلاقی دو دسته از عوامل بیرونی(محیطی) و درونی(ذاتی عام) می‌داند. استدلال بر این است که ریشه‌ی اصلی موفقیّت متکدّیان در جلب کمک دیگران در تمایلات عام نوع‌دوستانه و خیرخواهانه‌ی انسان‌ها قرار دارد که با اعمال محرک‌های عاطفی و احساسی ازسوی متکدّیان و سایلان کمک به برانگیختن احساسات نوع‌دوستانه و خیرخواهانه ترحم‌آمیز منجر می‌شود. از این منظر کمک به متکدّیان در قالب کنش‌های دگرخواهی خیرخواهانه قابل تبیین‌اند، به‌همین سبب طیف گسترده‌ای از نظریات در پژوهش‌ها وجود دارد که می‌خواهد نشان دهد که کنش‌های کمک به دیگران در حالت عادی جزء ویژگی‌های زیستی، اجتماعی و اکتسابی موجود انسانی است. هر چند تکدّی‌گری به‌لحاظ اجتماعی، و قانونی عملی مورد تأیید نیست، به‌واسطه‌ی این ویژگی‌های عام و در شرایط و محیط‌های خاص به جلب کمک برای افراد خاص(متکدّیان) می‌انجامد.

در زمینه‌ی ویژگی‌های عام رفتارهای دگرخواهانه موجود انسانی سه دیدگاه وجود دارد. برخی از علما به ویژگی ذاتی و فطری کمک‌های نوع‌دوستانه تأکید دارند که در طی فرآیند رشد افراد روند تکاملی خود را طی کرده است. استدلال این است که انسان‌ها در اجتماع و در زندگی اجتماعی شانس بیش‌تری برای ادامه‌ی حیات پیدا می‌کنند؛ یعنی ملاحظه‌ی دیگر هم‌نوعان و دستگیری از نیازمندان اجتماع بخت بهتری برای بقا به‌دست می‌دهد(کمبل ١٩٦٥). برخی مطالعات در چارچوب این دیدگاه به گرایش ذاتی بشر به حمایت نوع‌دوستانه از اعضای هم‌گروه(قوم، خویش، اجتماعی) خود تأکید دارد که بیش‌ترین شناخت و ارتباط درباره‌ی آن‌ها وجود دارد(بوتووسکیا و همکاران ١٩٩٩: ١٥٨). در مقابل فطری‌گرایان، عده‌ای بر خصلت اکتسابی نوع‌دوستی از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

طریق مشاهده‌ی اعمال نوع‌دوستانه و خیرخواهانه دیگران اشاره می‌کنند. به‌طور مشابهی، در کنار نظریات فوق، گروهی بر خصلت «بیولوژیکی» و «بیولوژیکی- اجتماعی» رفتارهای بشردوستانه و کمک به دیگران تأکید دارند. بر اساس نظریه‌ی بیولوژیکی، اساس هستی بر بقای ژن‌ها استوار است. این ژن‌ها هستند که ما را به‌سوی شرایطی از جمله رفتارهای انسان‌دوستانه هدایت می‌کنند که در آن شرایط بیش‌ترین شانس را برای بقا در جهان داریم(مایرز، ۱۹۹۸). ژن‌ها در بروز ویژگی‌های تمام افراد یک خانواده، یا فامیل مهم‌اند و هر یک از آن‌ها به نوعی از نظر ژنی مشابه هستند ارتباط ژنتیک یکی از عواملی است که سبب می‌شود خویشاوندان از هم حمایت کنند. مکمّل این نظریه‌ی ژنتیک نظریه‌ی زیستی- اجتماعی است که به عوامل اجتماعی نیز در تبیین رفتارهای نوع دوستانه اهمیّت می‌دهد. مطابق این نظریه افراد مشابه به‌لحاظ زیستی- اجتماعی دارای رفتارهای نوع‌دوستانه‌ی بیش‌تری به یک‌دیگر خواهند بود. ابتدا به افراد خانواده و سپس به دوستان و نزدیکان دیگر کمک می‌شود. اساساً در این نظریه نفع متقابل را می‌توان مطرح کرد که در خویشاوندان و نزدیکان احتمال کمک اعضای به یک‌دیگر بیش‌تر است(کمپل ۱۹۸۸). هرچند دیدگاه بیولوژیکی یا زیستی- بیولوژیکی در امداد رسانی دارای جایگاه مهم است، برخی مطالعات تجربی در کنار تأیید عام بودن گرایش‌های دگرخواهانه، متغیّرهای دیگری مانند قوانین اخلاقی و مذهب، عام‌گرایی و فرا قوام‌گرایی را مؤثر می‌دانند(شکوری ١٣٨٤). قدر مسلم این است که گرایش‌های مذکور صرفا و کاملاً تکدّی‌گری را تبیین نمی‌کنند، بلکه طیفی از کنش‌های دگرخواهانه‌ی مثبت از نوع کمک به هم‌نوعان در چارچوب قواعد، حقوقی اخلاقی و عرفی پذیرفته شده و کنش‌های دگرخواهانه منفی مانند تکدّی‌گری را در بر می‌گیرند. آن‌چه به‌طور اخص به رفتارهای متکدّیانه مربوط می‌شود وجود عوامل و کاتالیزرهایی است که بر اساس این دیدگاه وجود محرک‌ها و اعمال ترحم‌آمیز و محیط‌های مستعدکننده است که شرایط لازم را برای بروز رفتارهای متکدّیانه فراهم و نقش یا تأثیر سایر متغیّرهای مرتبط را تسریع می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

رفتارهای عام دگرخواهانه خیرخواهانه در موقعیّت‌های زمانی(مسافرت، عیادت از بیماران، مراسم مذهبی و غیره)، مکانی(بیمارستان، گورستان، زیارتگاه و غیره) و رخدادی(تصادفات، زلزله، بیماری و غیره) نسبت به حالت‌های عادی بیش‌تر رخ می‌دهد(شکوری ١٣٨٤). بدیهی است که محیط به‌لحاظ مفهومی مجموعه‌ای از عوامل و عناصر و شرایط را در بر می‌گیرد که درباره‌ی تکدّی‌گری می‌توان به مشخصه‌های فیزیکی، مکانی، منطقه‌ای، جمعیّتی(تراکم جمعیّت)، فرهنگی(مذهبی)، اجتماعی(مهاجرپذیری، بی‌کاری، هم‌بستگی و غیره)، حجم(بزرگی و کوچکی اجتماع) اشاره کرد که زمینه‌ی قرابت مکانی و زمانی را برای پیدایی رفتارهای خاص نوع‌دوستانه از جمله از نوع منفی ولی «بی‌آزار» آن یعنی تکدّی‌گری تسهیل می‌کند. این مشخصات محیطی در عصر جدید و آنچه که بک و لاو[1](٢٠٠٥) مدرنیته‌ی دوم می‌نامد، برجسته است که در آن سنّت و منابع و کنش‌های اجتماعی و تأمینی سنّتی نفوذ خود را از دست می‌دهند، انسان معاصر از این چارچوب‌ها جدا و در جامعه‌ای ادغام می‌شود که بر او فرمان می‌رانند. از طریق فرایندهای فردگرایی، سلطه و مناسبات غیر چهر به چهره، افراد می‌توانند و مجبور می‌شوند یک ذهنیّت منعطف را برای پذیرش نقش‌های مختلف، تحمیلی و گاها متعارض، برای چانه‌زنی برای بقاء در حوزه‌های مختلفی که جهان اجتماعی[2] آن‌ها را می‌کند، بپذیرند.

برای مثال، در زمینه‌ی شهر مورد مطالعه‌ی ما، متروپل بودن، ناآشنایی‌ها، مهاجرپذیری بویژه اتباع خارجی(افاغنه)، مقصد زیارتی عمده، مذهبی بودن در کنار مشکلات اجتماعی و اقتصادی مانند نبود اشتغال، فقر و غیره، زمینه‌ی گسترش و پذیرش تکدّی‌گری را به عنوان رفتار ظاهرا بی آزار در ملا عام و مکان‌های عمومی فراهم می‌کند.

[1]- Beck and Lau
[2]- Social world

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

هرچند نظریه‌های محیطی و نوع‌دوستانه، تبیین‌های مهمی را برای بروز رفتارهای متکدّیانه ارائه می‌دهند، لزوماً تمام افرادی که در محیط‌های مذکور قرار می‌گیرند متکدّی نمی‌شوند؛ تنها عده‌ای معدود دست به این نوع فعّالیّت‌ها می‌زنند. به‌نظر می‌رسد متغیّرهای دیگری دخیل‌اند که با رویکردهای دیگر توضیح داده می‌شوند. از مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد سیاست اجتماعی است. اساس این رویکرد فراهم کردن زندگی شرافت‌مندانه برای آحاد جامعه با تحت پوشش قرار دادن ضعیف‌ترین افراد جامعه است. بنابراین هدف نهایی سیاست اجتماعی نه تنها بقا بلکه شمول و فراگیری اجتماعی وقار انسانی و شایستگی و رسیدن به جامعه‌ای نیک و پسندیده است(کامکار،۱۳۸۲: ۲۸). جامعه‌ای که نتواند زندگی با کرامت را برای اعضایش فراهم کند زمینه را برای برساخته شدن[1] رذایل اخلاقی و شخصیّت‌های فرومایه و تحقیرآمیز و پیرو آن رفتارهای نکوهیده مانند گدایی مساعد می‌کند. در چارچوب سیاست اجتماعی سه نظریه‌ی مرتبط مشتمل بر نظریه‌ی نیاز، نظریه‌ی مطرودیت و نظریه‌ی فقر ویلیام بونگر این زمینه‌ها را توضیح می‌دهد. از آن‌جا که پاره‌ای از عوامل معیشتی(مانند نیازمندی)، روان‌شناختی(حقارت نفس) و اجتماعی(مطرودیت) سبب ایجاد رذیلت‌ها و از میان رفتن عزت نفس می‌شود.

یک پاسخ کلی به گدایی عده‌ای از افراد، ناظر براین است‌که آن‌ها نیاز دارند و نیازمندی، آنان را به این کار وادار می‌کند. بر اساس این نظریه، انسان، برعکس حیوانات، از ابتدای تولد به کمک دیگر انسان‌ها محتاج است. این نیاز تنها شامل نیازهای فیزیولوژیکی نیست، بلکه شامل نیازهای متعددی است که مزلو آن‌ها را در پنج دسته مشتمل بر نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به تعلق و روابط اجتماعی، نیاز به احترام، و نیاز به خویشتن یابی(مزلو،۱۳٦۷: ۲٦) طبقه‌بندی می‌کند. به‌علاوه مسأله‌ی مهم نحوه‌ی برآوردن نیازهاست که انسان‌ها آن‌ها را به‌طور اجتماعی برآورده می‌کنند. به

[1]- Being reconstructed

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

این ترتیب که فرد باید به تدریج ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای آن جامعه را بیاموزد و به اصطلاح درونی کند و نیازهای خود را با توجّه به آن‌ها برآورده کند. نیازهای غیر اجتماعی و نامشخص او نیز می بایست جدا شود و شکل اجتماعی به خود بگیرد. لذا این کار از طریق هدایت و ارشاد، تشویق و تنبیه از سوی جامعه و اعضای آن صورت می‌گیرد. به این معنی که برخی نیازها که مورد قبول جامعه نیستند، اجباراً یا کاملاً چشم پوشی شده و یا شکل و روش ارضای آن‌ها با هنجارهای اجتماعی تطبیق داده می‌شود و به‌صورت قانونی و پسندیده در می‌آید. به‌علاوه این‌گونه نیست که جامعه پیوسته در بروز نیازها مانع ایجاد کند، بلکه بر عکس او خود نیازهایی را تولید می‌کند. از این‌رو تحول و پویایی نیازها یعنی احساس نیازمندی فزاینده، بخشی از زندگی انسان اجتماعی را به‌ویژه در جوامع جدید و مصرف‌گرا تشکیل می‌دهد. در چنین حالتی انسان‌ها همواره با نیازهای متعدد و روزافزون و فشارهای فزاینده برای برآورد ساختن آن‌ها بر اساس هنجارهای مصرفی و اجتماعی مواجه می‌شوند تا نیازهای خود را با اکثر افراد جامعه و هنجارهایی که آنها دارند تطبیق دهند(رفیع پور، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۸). تحت فشار نیازهای فزاینده و در شرایطی که به‌قول فاروجیا (۳۰۱۰: ۷۱) موانع ساختاری آدم‌ها را از داشتن منابع مهم تامین نیاز مانند فرصت دسترسی به کار و درآمد باز می‌دارد، به‌قول مرتن، برخی افراد برای نیل به اهداف مشروع(برآوردن نیازها) به ابزار نامشروع و نکوهیده(رفتاری انحرافی مانند تکدّی‌گری) روی می‌آورند.

نظریه‌ی فشار نیازها و رفتارهای انحرافی مرتبط با تکدّی‌گری با تبیین‌های فقر تلاقی پیدا می‌کنند. این تبیین‌ها بر یک فرمول سنّتی تأکید دارند که متکدّیان، فقیر یا فقیرترین‌های جامعه‌اند. در غیبت حمایت‌های اجتماعی سنتی و ناتوانی نهادهای تأمینی مدرن، تکدّی‌گری تنها راه دریوزگان برای بقاست که برای آن‌ها فضایل اخلاقی بی‌مفهوم شده است. تمیانهای فقر شامل بعد مطلق و بعد نسبی می‌شوند.

درخصوص رویکرد فقر مطلق آدام اسمیت اشاره می‌کند که این رویکرد به این موضوع می‌پردازد که هر فرد حق استفاده و داشتن نیازهای اولیه‌ای چون خوراک،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پوشاک و... و هم‌چنین مورد قبول قرار گرفتن در جامعه را به عنوان یک شهروند دارد. بر اساس تاونسند فقیر کسی است که علاوه بر[توانا بودن در رفع] نیازهای اولیه باید[فرد قادر باشد] نیازهای عاطفی خود را نیز برآورده کند. به این ترتیب فقیر کسی است که قادر به انجام تعهدات و مسؤولیت‌های اجتماعی خود به عنوان یک شهروند نمی‌باشد(فیلپس، ۲۰۰٦: ۱۱۱-۱۱٤). به‌علاوه، فقر خود بر قابلیّت‌های اجتماعی افراد اثر گذار است. فقر سبب می‌شود برای مثال، اگر فردی دچار بیماری و یا مشکل جسمانی شده باشد به علت عدم توانایی مالی نتواند از درمان مناسبی استفاده کند و در نتیجه نتواند سلامتی خود را بازیابد؛ هم‌چنین فقر به افراد اجازه نمی‌دهد که از سطح تحصیلات مناسبی برخوردار شود و در نتیجه نتواند از شغل مناسب و سرمایه‌ی اجتماعی برخوردار شود. بر این اساس متکدّیان ظاهراً افراد فقیری هستند که از سر ناچاری، نه لزوماً از سر رذیلت اخلاقی، دست به این عمل می‌زنند. با این حال بسیاری از صاحبه‌نظرانی که بر پیامدهای فقر تمرکز دارند(برای مثال T پیکرینگ، ۲۰۰۱؛ مورانه، ۱۹۹٦ و لستر، ۲۰۰۵) آن را در بسیاری موارد عامل فرومایگی، حقارت نفس، بی‌ارزشی و بی‌قدرتی می‌دانند که از طریق فرایندهای دگرسازی مانند انگ‌زنی و تحقیر انجام می‌شود(لستر، ۲۰۰۵: ۱۰۰-۱۰۱). بروس آندسون می‌گوید که فقرا افرادی‌اند که «یک طبقه فرودست اخلاق‌زدایی شده[1] و در واقع منفصل خطرناک‌اند»(نقل در همان: ۱۰۹). به‌زعم گالووی، «بدترین چیز درباره‌ی زندگی فقیرانه طریقه‌ای است که به دیگران اجازه می‌دهد که شما- را به‌گونه‌ای ملاحظه کنند که- هم نیستید»(لستر، ۲۰۰۵: ۹۹). نحوه‌ی نگاه ما به دیگران و یا خودمان نحوه‌ی رفتار ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد(همان: ۱۰۳). به‌همین سبب فرایندهای دگرسازی منتج از فقر، وقار و عزت انسان را پایمال و بی‌ارزش می‌کند که آدم‌ها را برای پذیرش نقش‌های دون، ناهنجار، نکوهیده از جمله گدایی آماده می‌کند. به‌علاوه فرایندهای دگرسازی به شکل‌گیری

[1]- Demoralized

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

گروه‌ها یا خرده فرهنگ‌ها برای هنجاری کردن و علوّ ارزشی نقش‌های نکوهیده و ناهنجار می‌انجامد که حاشیه‌ی ایمنی روانی و حمایتی را برای اعضا یا متعلقین فراهم می‌کند.

هم‌چنین نظریه‌ی فشار نیازها و رفتارهای انحرافی تا حد زیادی با بعد دوم نظریه‌ی فقر یعنی محرومیّت نسبی کلید می‌خورد. بسیاری از اوقات نیازها در پی مقایسه با دیگران به‌وجود می‌آید. وقتی فرد یک سلسله ارضای نیاز را ببیند و ادراک کند و ببیند که افراد دیگر آن وسیله را در اختیار دارند، او نیز میل به داشتن آن می‌کند. اگر فرد امکان به‌دست آوردن آن را نداشته باشد، این احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیّت نسبی، ممکن است به تدریج موجب بغض و عکس العمل‌های عاطفی شود و در صورت فقدان کنترل اجتماعی و اخلاقی، رفتارهای نابه‌هنجار دیگری را در پی داشته باشد(رفیع پور، ۱۳۷۳: ۱۹). معمولاً گفته می‌شود که بشر بیش از نداری و فقر از بی‌عدالتی و محرومیّت نسبی رنج می‌برد و فشار روانی به‌صورت شرمندگی و سرافکندگی برای انطباق هنجاری و همسانی نسبی با بقیه‌ی افراد به‌مراتب زیاد است و تلاش هنجاری برای انطباق در شرایط رقابتی و نابرابری غالباً ناموفق و بیش‌تر مستعد رفتارهای ناپسندانه، ناهنجارگونه و حتّی رذیلانه است. از این منظر تکدّی‌گری در مواقعی می‌تواند رخ دهد که فرد پس از آگاهی از شکافی که میان وضعیّت اقتصادی خود و دیگرانی که از وضع بهتری برخوردارند احساس محرومیّت کرده و تحت فشار روانی و در مواجهه با موانع ساختاری یا ناتوانیهای جسمانی و مهارتی برای جبران این محرومیّت، در ضعف یا غیبت فضایل اخلاقی و در حالت درماندگی، اقدام به تکدّی‌گری می‌کند.

هر چند محرومیّت‌های نسبی در تبیین نارضایتی و رفتارهای ناهنجارگونه تا حد زیادی مهم است، با این‌حال درخصوص علل گدایی محرومیّت‌های مادی حاد بخشی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از قضاوت‌های عام را تشکیل می‌دهد. از این منظر نظریه طرد اجتماعی وفقر[1] الهام‌بخش است. طرد اجتماعی به مفهومی فراتر از فقر و تهیدستی اشاره دارد. طرد اجتماعی به معنای روند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است و در وهله نخست به بازدارنده‌های ساختاری برای ادخال اجتماعی نظر دارد. طرد اجتماعی در واقع نوعی رانده‌شدن را می‌رساند و معمولاً در برابر مشارکت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر کسی که مشارکت اجتماعی فعالی نداشته باشد و به نوعی منزوی شده باشد دچار طرد شده است. معمولاً طرد اجتماعی در جایی اتفاق می‌افتد که افراد و گروه‌ها به‌طور غیر ارادی از فرصت مشارکت در امور اجتماعی محروم می‌شوند(فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۱۸۳). طرد اجتماعی، به نظر اوندرو، ابعاد مختلفی چون «منابع مادی»، «روابط اجتماعی»، «فعّالیّت‌های مدنی»، «خدمات اساسی» و «روابط هم‌سایگی» را در برگیرد و ازاین‌جهت به قابلیّت‌های اجتماعی افراد مربوط می‌شود. قابلیّت‌ها مواردی هم‌چون سواد، آموزش، سلامتی و مانند آن را در بر می‌گیرد و قابلیّت‌های بنیادی به معنی وجود شرایطی است که توانای لازم و مناسب برای رهاشدن از قحطی و گرسنگی و سوء تغذیه، سواد، و امکان مشارکت در زندگی اجتماعی، داشتن سرپناه، امکان مسافرت و... را فراهم می آورد(محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸٤: ۱۵). نداشتن آن قابلیّت‌ها انسان‌ها را از کارکردهای اساسی انسانی زیستن باز می‌دارد. در جوامع معاصر شواهد زیادی دال بر مراحل و نتایج طرد اجتماعی وجود دارد که انسان‌ها را از داشتن زندگی آبرومندانه محروم و آنان را به‌لحاظ روانی و ذهنی برای سیطره بر مسایل خلع‌سلاح می‌کند(بایرن، ۲۰۰۵: ۱۳۳-۱۳٤) و به تعبیر آدام اسمیت سبب می‌شود اعلام و اظهار ناتوانی در جامعه بدون شرمندگی بروز و شیوع پیدا کند و تحمل گردد(سن، ۱۹۹۹: ۷۵). بر این اساس می‌توانیم بیان کنیم که تکدّی‌گری تحت تأثیر فقدان و یا کمبود قابلیّت‌های اجتماعی است؛ یا به بیانی دیگر افراد هنگامی

[1]- Social Exclusion

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تکدّی‌گری می‌کنند که در اثر کمبود قابلیّت‌های اجتماعی دچار طرد اجتماعی می‌شوند و از این رو اقدام به این عمل می‌کنند.

فقدان یا کمبود قابلیّت‌های اجتماعی ⟸ طرد اجتماعی + تکدّی گری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که تکدّی‌گری به درخواست کمک بدون جبران مابه‌ازا به‌صورت پول یا کالا از دیگران که هیچ الزام قانونی در پاسخ به این درخواست ندارند اطلاق می‌شود. تکدّی‌گری یکی از پدیده‌های متناقض بشری است. با این‌که تکدّی‌گری در بیش‌تر جوامع عملی نکوهیده و رفتاری ناهنجار تلقی می‌شود، در غالب آن‌ها به عنوان فعّالیّتی بی‌آزار از طرف درماندگان و نیازمندان تحمل می‌شود. تکدّی‌گری با مجموعه یا منظومه‌ای از عوامل شکل می‌گیرد که به‌صورت تله یا دور باطل عمل می‌کنند که گرفتاری و وارد شدن در آن رهایی و خروج از آن را مشکل می‌کند. از آن‌جا که پدیده‌ی تکدّی‌گری با اظهار نیاز برای بقاء و بیان ناتوانی در برآورده ساختن آن همراه است قبل از همه احساسات نوع‌دوستانه مردم و برانگیختن ترحم آن‌ها برای کمک همراه است. با این حال شکل‌گیری تکدّی‌گری و گسترش آن در مکان‌ها یا زمان‌های خاص به شرایط و محیط‌های مستعد کننده وابسته است. در این تحقیق سعی شده است با مطالعه‌ی نمونه‌هایی در شهر مشهد برخی از شرایط و عوامل تأثیرگذار برجسته شود.

روش پژوهش

با توجّه به ماهیّت موضوع و جمعیّت مورد مطالعه، این پژوهش مبتنی بر روش کیفی است و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق به‌کارگیری فنون مشاهده و مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری شده است. این اطلاعات از ۲۲ متکدّی نمونه شام در شهر مشهد به‌دست آمده است که با استفاده از روش «نمونه‌گیری نظری[1]» انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این روش معیار پایان یافتن نمونه‌گیری، «اشباع نظری[2]»

[1]- Theoretical PTSampling
[2]- Theoretical Saturation

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

است ؛ یعنی حالتی که بعد از آن اضافه کردن فردی در این تحقیق چیز تازه‌ای درباره‌ی مقولات پژوهش ارائه ندهد. در واقع نمونه‌گیری نظری برخلاف نمونه‌گیـری تصـادفی که قبل از گرد آوری داده‌ها تعیین می‌شود، به‌صورت تدریجی در حین فرآیند تحقیق و ضمن آن تعیین می‌شود. مهم‌ترین اصلی که به‌قول ماکسـول(١٩٩٦: ٧٠) در ایـن روش باید رعایت شود انتخاب محیط‌ها، زمان‌ها و افرادی است که بتوانند اطلاعات مورد نیاز را برای پاسخ‌گویی به سؤالات فراهم آورند. به همین منظور، ابتدا مکان‌هایی که محـل تمرکز فعّالیّت متکدّیان بود از طریق پرس و جو از شهرداری مشهد و پـرس و جـو از برخی افراد مطلع در سطح شهر مشخص شد که شامل این مناطق است: الف- اطـراف حرم، که در مرکز شهر واقع بوده و به‌لحاظ ترکیب طبقاتی عمدتاً طبقات مازسوی را در بر می‌گرفت؛ ب- خیابان دانشگاه- حدّفاصل چهارراه دکتری تا میدان تقی آباد کـه در مرکز شهر واقع بوده و غالباً ترکیبی از طبقات مازسوی را شـامل مـی‌شـد؛ ج- اطـراف ترمینال مسافربری، که اطراف شـهر و عمومـاً طبقـات مازسـوی را در بـر مـی‌گرفـت. نمونه‌های تحقیق برای مصاحبه از مناطق سه‌گانه‌ی مذکور انتخاب شد. از آن‌جا که بـر اساس مناظرت قبلی در برخی ساعات احتمال می رفت کـه متکـدّیان کـم‌تـر در شـهر مشاهده شوند در دو نوبت صبح(از ساعت ١٠ تا ١٢/٥) و بعد از ظهر(از ساعت ١٥ تـا ١٧) اقدام به مصاحبه شد.

در مصاحبه‌ها سعی شد به تجربیات افراد، ویژگی‌های فردی آنان، شرایط زندگی و به‌طور کلی عوامل مؤثر بر وضعیّت آن‌ها پرداختـه شـود. بـرخلاف تصـور عمـومی، برخورد و گرفتن اطلاعات و صحبت‌های فراتر از دادن کمک به متکدّیان، که برخـورد با دیگران را در گرفتن نه در پس دادن آن یا هر چیز دیگری خلاصـه مـی‌کننـد کـاری بسیار دشوار است. متکدّیان به‌دلایل مختلف مانند شخصیت تحقیر و غیر اخلاقی شده در بسیاری موارد از برخوردهای رک و گاه غیر مؤدّبانـه بـا افـرادی‌کـه نفـع آشـکاری برایشان نداشته باشند، هیچ ابایی ندارند؛ از این‌رو قبل از انجـام مصـاحبه تـلاش‌هـای متعدد و مکرر انجام شد تا اعتماد و موافقت آن‌ها برای انجام مصاحبه جلب شود. برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مثال، ابتدا پس از مواجهه با متکدّی و دادن پول نقدی، به مشاهده‌ی رفتار وی مبادرت می‌شد تا به روش تکدّی‌گری او پی برده شود. سپس با پرداخت وجه نقد سر صحبت با او باز می‌شد؛ صحبت‌هایی دال براین‌که «می‌فهم که چقدر زندگی سختی رو سپری می‌کنی» و توضیح این‌که «من محقق اجتماعی هستم و درباره‌ی مسایل متکدّیان تحقیق می‌کنم و اگر به پرسش‌هایم پاسخ دهی لطف بزرگی در حقم کرده‌ای» محققان با جنین تلاش‌هایی رضایت و اعتماد متکدّیان را برای مصاحبه به‌دست آوردند. در برخی موارد با استفاده از همکاران متکدّیان سعی فراوان شد تا پاسخ‌های آن‌ها با صداقت بیش‌تری همراه باشد و بتواند در شناخت تکدّی‌گری ما را یاری دهد.

یافته‌ها و مناظرات

با عنایت به ویژگی‌های جمعیّت‌شناختی نمونه‌های مورد مطالعه، نسبت مردان متکدّی(۷۷/۲۷ درصد) از زنان متکدی(۲۲/۷۳ درصد) بیش‌تر است(جدول شماره‌ی یک). هرچند نمونه‌ها به‌صورت اتفاقی انتخاب شده‌اند، می‌توان گفت این نسبت در عین‌حال که حکایت از این دارد که به‌طور کلی زنان گرایش کم‌تری برای تکدّی‌گری دارند، مناظرات ما نشان‌دهنده‌ی این بوده است که اکراه زنان به مصاحبه و یا فرار از مصاحبه(و خجالت کشیدن) در میان آنان نسبت به مردان نیز بیش‌تر بود که این خود بیان‌کننده‌ی معذوریت‌های فرهنگی و به نحوی شرایط مناسب برای تکدّی‌گری زنان نسبت به مردانست. این تا حدی مغایر با یافته‌هایی است که برخی محققان در کشورهای دیگر به آن رسیدند که زنان فعال‌ترین و درآمدزاترین متکدّیان را تشکیل می‌دهند(برای مثال آدریانسنز و هندرکس، ۲۰۱۱).

جدول شماره‌ی یک: توزیع متکدّیان برحسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۱۷	۷۷/۲۷
زن	۵	۲۲/۷۳
جمع	۲۲	۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از نظر سنی، حدود ۵۰ درصد متکدّیان مورد مطالعه در سنین ۵۰ تا ۵۹ و حدود ۳۶ درصد متکدّیان نیز در سنین ۶۰ سال به بالا و ۱۳/۶۴درصد از متکدّیان مورد مطالعه در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ قرار داشتند(جدول شماره‌ی دو). اگر چه درصد گروه اخیر یعنی متکدّیان جوان‌تر رقم بالایی به نظر نمی‌رسد، مناظرات ما نشان داد که در میان متکدّیان در سطح شهر نمود دارند، و گرایش سنین پایین‌تر را به این نوع فعّالیّت‌های آسیب‌زا نشان می‌دهد که می‌تواند زنگ خطری برای دست‌اندکاران برای توجّه بیش‌تر به این مسأله باشد. هر چند غالب متکدّیان جوان‌تر در پاسخ به این پرسش که چرا به تکدّی‌گری روی آوردید؟ غالباً به پاسخ‌های گلیشه‌ای «بی‌کاری»، «نیازمندی»، «شما چه کار به این کارها دارید؟ دردمان را تازه نکنید؟»، و مانند این‌ها اشاره داشتند. و در برابر این پرسش که اگر در آینده برایتان میسر باشد آیا مایلید در کار دیگری را پیشه‌ی خود سازید؟ جواب «آری و حتماً» «ولی مگر کار دیگری هم برای آدم‌هایی مانند ما هست؟» را می گفتند. ولی تحقیق از افراد سالخورده‌تری که تکدّی‌گری را از سنین پایین‌تر شروع کرده بودند نشان داد که هیچ‌کدام از این نوع فعّالیّت دل نکندند. یکی از آن‌ها پاسخ ظاهرا قانع کننده‌ای داد «کسی که در اوج دوران زندگی خود- جوانی- به تکدّی‌گری پرداخت و نتوان است شغل مناسب دیگری را دست و پا کند، دیگر چه زمانی برایش خواهد ماند که شغل مناسبی بیابد؟» به‌علاوه «حال که خد را شکر آب باریکه به‌دست می‌آید، و وقتی غیر از وقت کسب روزی مانند دیگران بپوشم و جاهایی که دوست دارم بروم، دیگر چه فرقی می‌کند که حتماً شغلی دیگر وجود داشته باشد». این تاحدی نظریه‌ی عادت و پذیرش نقش جدید را تأیید می‌کند.

جدول شماره‌ی دو: توزیع متکدّیان برحسب سن

سن	فراوانی	درصد
۱۸-۲۹	۳	۱۳/۶۴
۳۰-۳۹	۴	۱۸/۱۸
۴۰-۴۹	۷	۳۱/۸۱
۵۰-۵۹	۳	۱۳/۶۴
۶۰ سال و بیش‌تر	۵	۲۲/۷۳
جمع	۲۲	۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اغلب متکدّیان مورد مطالعه متأهل بوده(۹۰/۹) و تنها ۹ متکدّیان را مجردان تشکیل می‌دادند(جدول شماره‌ی سه). این موضوع می‌تواند بازگوکننده‌ی فشاری باشد که تأهل برای تأمین معاش، بر فرد وارد می‌کند. هم‌چنین باید به این مسأله توجّه داشت که خانواده‌ی فرد متکدّی نیز مشقت بسیاری را به لحاظ اجتماعی باید تحمل کند. و این‌که فرزندان متکدّی درباره‌ی شغل والدین خود چه برداشتی خواهند داشت؟! در صورت نگرش مثبت این امر نیز خود باعث آن می‌شود که فرزندان نیز در جوانی و بزرگسالی راحت تر دست به تکدّی گری بزنند، شکسته شدن قبح تکدّی‌گری برای فرد می‌تواند جرقه‌ی خوبی برای شروع باشد.

چنان‌چه از جدول شماره‌ی چهار ملاحظه می‌شود ۲۷/۲۷ درصد از متکدّیان فاقد هرگونه سوادی بودند و ۷۲/۷۳ درصد از متکدّیان در حد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی سواد داشتند. به‌علاوه غالب آنان فاقد مهارت‌های شغلی خاصی بودند یا این‌گونه وانمود می‌کردن که «چه کاری از دستشان بر می‌آید که انجام دهند ولی آن‌ها نمی‌خواهند آن را انجام بدهند».

جدول شماره‌ی سه: توزیع متکدّیان برحسب تأهل

وضعیّت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۲	۹/۱
متأهل	۲۰	۹۰/۹
جمع	۲۲	۱۰۰

جدول شماره‌ی چهار: توزیع متکدّیان برحسب سطح تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۶	۲۷/۲۷
ابتدایی	۹	۴۰/۹
راهنمایی	۵	۲۲/۷۳
متوسطه	۲	۹/۱
جمع	۲۲	۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از نظر وضعیّت جسمانی، آن‌چه که از ظواهر امر پیدا بود ادعای آن‌ها را تصدیق می‌کرد، ٥٤/٥٤ درصد از متکدّیان را افراد سالم تشکیل می دادند. ٤٥/٥ درصد دیگر افرادی بودند که ادعای معلولیت(١٣/٦٤ درصد) یا بیماری(٣١/٨٢ درصد) می‌کردند(جدول شماره‌ی پنج). به این ترتیب در حالی که بیش‌تر متکدّیان از نظر جسمی در سلامتی کامل به سر می برند، ولی درصد قابل توجّهی معلول یا بیمار بودند. نکته‌ی قابل توجّهی که از میان گفته‌های متکدّیان بر می‌آمد این بود که، آن‌هایی که ادعای معلولیت می‌کردند و یا واقعاً معلول بودند، معلولیت را با مجبورشدن به تکدّی‌گری برابر می‌دانستند. به‌گونه‌ای که بارها این جملات از سوی متکدّیان معلول و بیمار تکرار می‌شد که «اگر انسان به لحاظ جسمانی سالم نباشد، چاره‌ای جز تکدّی‌گری ندارد» یا این‌که «فکر می‌کنید با وضعیّت‌ام چه احدی حاضر است برایم حتّی کارهای پست مانند نظافت و... دهد تا برسد به کارهای آبرومندانه و خوب». خود این موضوع نشان می‌دهد که بیماری و معلولیت به همراه تکدّی‌گری چگونه افراد را از خودباوری و باور به توانمندی مجدّد از طریق آموزش‌های مناسب برای دستیابی به مشاغل آبرومندانه تهی می‌کند.

جدول شماره‌ی پنج: توزیع متکدّیان بر حسب وضع جسمانی

وضعیّت جسمانی	فراوانی	درصد
سالم	۱۲	۵۴/۵۴
معلول	۳	۱۳/۶۴
بیمار	۷	۳۱/۸۲
جمع	۲۲	۱۰۰

با این وجود بررسی بیش‌تر نشان داد با توجّه به معیارهایی غیر از سواد تقریباً ٣٧ درصد متکدّیان مورد مطالعه از مهارت و تخصص شغلی برخوردار بودند و ٦٣ درصد از هرگونه مهارتی بی‌بهره بودند(جدول شماره‌ی شش). با توجّه به نسبت قابل توجّه افراد دارای مهارت حرفه‌ای، شاید این پرسش پیش آید که چگونه ممکن است افراد دارای تخصص و مهارت دست به تکدّی بزنند. برای این‌که مسأله روشن شود به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پاسخ‌های برخی از این متکدّیان مراجعه می‌کنیم. یک متکدّی که مرد ٤٨ ساله‌ای بود بیان کرد که: «نقاش ساختمانم، الآن یک ساله از نردبون افتادم، لگنم شکسته، خوب نشده، دیگه نمی‌تونم کار کنم»؛ یا مردی که مدعی بود حدود ۷۰ سال از سنش گذشته، می‌گفت: «من قبلاً قالیبافی می‌کردم حالا پیر شدم دیگه این‌کار ازم ساخته نیست» این گفتگوها و موارد مشابه آن‌ها بیان کننده‌ی این مطلب است که برخی از گدایان با این‌که دارای مهارت های شغلی هستند، اما به دلایل صدمات جسمی و سال‌مندی قادر نیستند از مهارت خود استفاده کنند و چون در هنگام شاغل بودن بیمه نبودند بعد از ناتوانی جسمی نتوان استند منبع درآمدی کسب کنند، در نتیجه به سمت تکدّی‌گری گرایش پیدا کرده‌اند.

جدول شماره‌ی شش: توزیع متکدّیان برحسب مهارت شغلی

وضعیّت مهارت	فراوانی	درصد
دارای مهارت	۸	۳۶/۳۶
فاقد مهارت	۱۴	۶۳/۶۴
جمع	۲۲	۱۰۰

آن‌گونه که در طی مطالعه و مصاحبه‌ها مشخص شد، متکدّیان به نوعی از عدم انسجام و از هم پاشیدگی خانواده رنج می‌بردند. از میان متکدّیان مورد مصاحبه ٤٥/٥ درصد دارای خانواده‌ای نابه‌سامان[۲] و ٥٤/٥ درصد از متکدّیان از خانواده‌ای به‌سامان[۳] بودند(جدول شماره‌ی هفت). در میان متکدّیان، زنان متکدّی به‌طور غالب دچار نابه‌سامانی و از هم پاشیدگی نهاد خانواده بودند. به عنوان مثال یکی از زنان متکدی مورد مطالعه بیان می‌کرد: «چهل و یک سالمه، شوهرم معتاده چون شوهرم نمی تونه کار بکنه، از این راه کسب درآمد می‌کنم که بیش‌تر این پول خرج اعتیاد شوهرم می شه». زن دیگری می گفت: «پنجاه و پنج سالمه، شوهرم زن دوم گرفته و به ما خرجی نمی‌ده، به خدا از روی ناچاری آمدم دستمو پیش مردم دراز می‌کنم».

موارد فوق ضمن بازگو کردن این مطلب که پدیده‌های اجتماعی هم‌چون حلقه‌های زنجیر به هم متصل و وابسته‌اند به‌طوری‌که آسیب‌هایی چون اعتیاد و تعدد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

زوجات منجر به پدید آمدن وافزایش معضل و آسیب‌های دیگر می‌انجامد، به خوبی نیز نشان می‌دهد که فقدان انسجام در نهاد خانواده از عوامل مؤثر در گرایش افراد به سمت تکدی گری است که البته پیامدهای این عدم انسجام و سردی در نهاد خانواده بیش‌تر گریبان زنان را می‌گیرد. اگر چه تعداد متکدّیان زن کم‌تر از مردان متکدّی است، تأثیر مستقیم نابه‌سامانی خانواده در زنان خود را بیش‌تر نمایان می‌کند و آن‌ها را برای تأمین نیازهای خویش به راه‌های نامشروع و از جمله تکدّی‌گری می‌اندازد.

مورد دیگری که او نیز یک زن یا در واقع دختری ۱۹ ساله بود بیان کرد که پدرش از ساختمان پرت شده و علیل در گوشه‌ی خانه به سر می‌برد و چون منبعی برای درآمد نداشته‌اند زن هم‌سایه که خود متکدّی است برای این‌که خدمتی در حق همسایه خود کرده باشد او را به این کار دعوت کرده و به او آموزش داده است. وی این موضوع را چنین شرح می‌دهد: «... وقتی دید که وضع ما خوب نیست گفت بریم گدایی اولش قبول نکردم خوب بعدش اصرار کرد و گفت کار سختی نیست حالا یک‌بار بیا این کار را بکن، اگر نخواستی خوب دیگه نیا منم قبول کردم» چنین موردی نیز اگر چه بیان می‌کند که تکدی گری مانند رفتارهای دیگر اجتماعی آموخته می‌شود، به نظر می‌رسد که دلیل این فراگیری و آموختن داشتن خانواده‌ای نامنسجم است، خانواده‌ای که در آن پدر قادر نیست نقش خود را به درستی ایفا کند.

جدول شماره‌ی هفت: توزیع متکدّیان برحسب وضعیّت خانواده

وضعیّت خانواده	فراوانی	درصد
خانواده به‌سامان	۱۰	۴۵/۵
خانواده نابه‌سامان	۱۲	۵۴/۵
جمع	۲۲	۱۰۰

مناظرات نشان داد که اغلب متکدّیان(۵۹ درصد) از مهاجرین بودند، بقیه(۳۹درصد) نیز که در طی مصاحبه اظهار داشتند از مشهد هستند، عموماً از اطراف دور دست مشهد بودند(جدول شماره‌ی هشت). بنابراین یکی از علت‌های اصلی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مشاهده‌ی تکدّی در شهرهای بزرگی مانند مشهد، مهاجرت است. به این ترتیب برخی افراد از شهرهای کوچک و روستاها که درآمد خوبی ندارند به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند و به دلیل نیافتن شغل، به تکدّی‌گری گرایش پیدا کردند و از این طریق درآمد قابل توجّهی به‌دست آوردند. البته عاملی که این مهاجران را به این سمت سوق می‌دهد علاوه بر نیافتن شغل، گسسته‌شدن از جامعه، خانواده و شهر زادگاه‌شان است؛ چرا که این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون نگرانی از شناسایی چهره دست به تکدّی‌گری بزنند. نظریه‌ی میانامی/ گمنامی[1] که به نظریه‌ی اختفای هویت[2] نیز مشهور است درباره‌ی این افراد کاربرد پیدا می‌کند. نظریه‌ی گمنامی با اختفای هویت عبارت است از: «محو یا امحا و یا اختفای هویت، به عمد یا غیرعمد و در جهت تحقق اهدافی چند مانند سرقت، قتل، تهاجم و مانند این‌ها است. صورت‌های گوناگون اختفای هویت مانند اقدام در شب، زدن ماسک، [مهاجرت از مکان خاصی به نقطه‌ی خاصی] و غیره می‌باشند... شهرهای بزرگ امروزی نیز برای گمنام ساختن افراد هم‌چون پوششی برای تبهکاری و یا هر هدف دیگری [مانند تکدّی گری] به شمار می‌آیند. »(ساروخانی، ۱۳۸۰: ۳۰)

طبق نظریه‌ی فوق، مهاجرت نیز از مصادیق کامل گمنامی به شمار می‌آید، مخصوصاً اگر از روستاهای دورافتاده و یا شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ/ کلان‌شهرها صورت بگیرد. چنان‌که یکی از متکدّیان مهاجر که جوانی ۳۰ ساله بود بیان داشت: «بعد از این‌که پدرم فوت کرد به همراه مادرم به مشهد آمدیم تا یک کاری پیدا کنم، ولی نشد دیگه، بعدِشم مجبور شدم دست پیش مردم دراز کنم». هم‌چنین هنگامی که از وی سؤال شد که آیا اقوامات از این کار تو- تکدّی‌گری- آگاه هستند پاسخ داد، «نه». و وقتی پرسیده شد که نمی ترسی تو را در این وضع بمینند؟ گفت: «چرا، ولی

[1]- Anonymity
[2]- Hidden identity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

کسی ما رو نمی شناسه، با این حال حواسم هست، وقتی آشنایی می‌بینم، سرم رو پایین میندازم تا نشناسه».

البته قابل ذکر است که پدیده‌ی مهاجرت خود معلول وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و بخشی است. برخلاف گذشته که فقرای هر شهر و منطقه‌ای از اهالی بومی همان‌جا تشکیل می‌شدند، اکنون به دلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و بخشی، قسمت اعظم متکدّیان شهرهای بزرگ از جمله شهر مشهد را مهاجرین از مناطق محروم و روستاها که از سطح درآمد نازلی برخوردارند، تشکیل می دهند.

جدول شماره‌ی هشت: توزیع متکدّیان برحسب وضعیّت مهاجرت

وضعیّت مهاجرت	فراوانی	درصد
مهاجر	۱۳	۵۹
غیرمهاجر	۹	۴۱
جمع	۲۲	۱۰۰

به‌طوری که غالباً در یافته‌های تحقیقات مرتبط ذکر می‌شود می‌کنند. فقر و بی‌کاری، مهم‌ترین و اولین محرک‌های‌ی هستند که افراد را وادار به تکدّی‌گری می‌کند. از میان متکدّیان مورد مطالعه، ۵۹ درصد تحت تأثیر فقر و بی‌کاری به تکدّی‌گری روی آورده بودند. سایر عواملی که سبب روی آوردن افراد به تکدی‌گری شده عبارتند از سال‌مندی، از کار افتادگی، بیماری و معلولیّت که ٤١ درصد متکدّیان مورد مطالعه را شامل شده است(جدول شماره‌ی نه).

با این توصیف، به نظر می رسد یکی از علت‌های گرایش افراد به تکدّی‌گری وجود فقر و نبود فرصت‌های شغلی در جامعه باشد؛ چنان‌که از سخنان اغلب متکدّیان چنین برمی آید. هنگامی که از یکی از متکدّیان پرسیده شد که آیا تکدّی‌گری کار هر روز اوست، پاسخ داد که «هر وقت نتوانم کاری انجام بدم گدایی می کنم، مانند وقتی مردم گل می‌خرن مایم می‌ریم سرِ چهارراه‌ها، گل فروشی می‌کنیم». اگرچه گل‌فروشی سر چهارراه‌ها نوعی شغل کاذب شمرده می‌شود، همین که تمایل به انجام‌دادن کار نزد فرد یا افراد وجود دارد خود دالِ بر این نکته است که در صورت وجود فرصت‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شغلی می‌توانیم ناظر کاهش تکدّی‌گری در میان افراد باشیم. متکّدی دیگری کـه زنـی ٤٥ساله است با گریه و ناله بیان می‌کند که«سه تا بچه کوچیک دارم، شـوهرم چندسـاله که مرده، تو خانه‌های مردم کار میکنم اما خرجی ما درنمیاد، مجبورم بعضی وقتا بیـام و این کارو انجام بدم، به خدا ما آبروداریم... ». آن وقت با وجـود ایـن‌کـه ایـن زن کـار می‌کرد اما باز هم برای جبران کسری مخارج، خود را مجبور به تکدّی‌گـری مـی‌دیـد، همه‌ی این‌ها نشان از وجود فقر در میان برخی از متکـدّیان اسـت. در پاسـخ بـه ایـن پرسش که آیا از طلب پول از دیگران احساس شرم نمی‌کنید، همـین زن گفـت: «چـرا، ولی فکر می‌کنید گدایی در پیش اولاد شرم‌آور است یا پیش مردم. البته اولی به‌مراتـب شرم‌آور است وقتی که می میانی خواسته‌های پاره تنت را نمی‌توانی برآورده‌سازی، دلت فرو می‌ریزد و حاضر می‌شوی به هر کاری تن دهی».

جدول شماره‌ی نه: توزیع متکدّیان برحسب فقر و بیکاری

دلیل تکدی گری	فراوانی	درصد
فقر	۵	۲۲/۷
بی‌کاری	۸	۳۶/۳
سایر عوامل	۹	۴۱
جمع	۲۲	۱۰۰

هرچند فقر و عوامل مرتبط از دلایل اساسی است که برخی را وادار بـه تکـدّی می‌کند، گفته می‌شود بعد از تن‌دادن به آن و پذیرش نقش تکدّی‌گری از میان شیوه‌های امرار معاش، شیوه‌ای راحت برای کسب درآمد برای افراد تنبل و تن پرور است که بـه جای تأمین و اداره‌ی خویش از طریق یک اشتغال درآمدزا، ترجیح می‌دهند که از طریق جلب ترحم دیگران، این نیاز را برآورده کنند. البته تن‌دادن به چنین معیشت و رفتاری، قطعاً با برخی زمینه‌های روانی، اوضاع خانوادگی و عوامل مساعد دیگر تقویت می‌شود.

همان‌گونه که در قسمت ویژگی‌های فردی متکدّیان بیان شد اغلب آن‌ها جوان و از سلامت جسمانی کاملی برخوردار بودند که به جای استفاده از سلامت و جـوانی رو به تکدی گری آوردند و در این میان بعضی از رهگذران به‌علت دل سوزی به آنان پول

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

می‌دادند و همین امر باعث شده که آن‌ها به جای کار و فعّالیّت سالم به تکدّی‌گری گرایش پیدا کنند و به آن عمل ادامه دهند. این امر در گفته های برخی از متکدّیان مشهود است. یکی از متکدّیانی که با لباس های ژنده و کثیف در پیاده رو خیابان نشسته بود و از مردم تقاضای پول می کرد و مورد مصاحبه قرار گرفت به این سؤال که: «ظاهراً سالم هستی پس چرا گدایی می کنی؟» پس از طفره رفتن و اصرار چنین پاسخ داد:

«... مال شهرستانم این‌جا هیچ کی مارَ نمی‌شناسه این کار هم درآمدش خوبه هم زحمت نداره». و در پاسخ این سؤال که اگر جایی آدم را نشناسند آدم باید گدایی کند؟ گفت: «نه... بمیان اول که ئی کاره نکردم پارسال فکر کنم همین موقع‌ها آمدم مشهد تا کار پیدا کنم، اما کاری پیدا نشد تا این‌که همه پولی که داشتم خرج شد بعدم مجبور شدم تو خیابان به این و اون رو بزنم تا پولی بهم بدن، وقتی دیدم مردم به‌راحتّی پول می‌دن گفتم این بهترین راهه» و اضافه کرد که هر چند «اولش خیلی سخت بود، ولی از درماندگی این کار را کردم، بعد تحمل‌اش آسان شد». هم‌چنین در پاسخ به پرسش آیا خانواده‌ات از این کار تو باخبرند؟ گفت که نه به آن‌ها گفته ام در یک کارگاه ساختمانی مشغول به کارم. هم‌چنین مدعی بود ماهانه صد تا صدوپنجاه هزار تومان برای خانواده می‌فرستد.

همان‌طور که در این گفتگو ملاحظه شد کسب درآمد بدون زحمت و بدون هزینه انگیزه و عاملی است تا افراد تنبل و تن پرور به راحتّی به سمت تکدّی‌گری سوق پیدا کنند و این خود تحت تأثیر دلسوزی های مردم است. شاید این موضوع بخشی از واقعیت و باوری را بیان می‌کند که اگر مردم به این‌گونه اشخاص کمک نکنند، آن‌ها هیچ گاه روی به این کار نمی‌آورند.

از نظر مجاورت‌های مکانی، گفتگوها معلوم ساخت که بر حسب تجربه‌ی متکدّیان اطراف ترمینال و حرم برای آنان راضی کننده تر بود و در مقایسه با شهرهای محل تولد آن‌ها و یا شهرهای دیگر مشهد مناسب‌ترین محل فعّالیّت بوده است

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نتیجه‌گیری

در این مقاله تکدّی‌گری و علل اقتصادی و اجتماعی آن در شهر مشهد مورد مطالعه قرار گرفت و سعی شد ماهیّت مفهومی و عوامل تأثیرگذار بر ظهور این پدیده روشن شود. هر چند تکدّی‌گری به‌طور سنّتی به‌دلیل ماهیّت عمل آن و به‌واسطه‌ی عدم شرکت در تولید اجتماعی به‌عنوان طفیلی و زائده‌ی اجتماعی تلقی شده و به‌واسطه سوءاستفاده از احساسات نوع‌دوستانه‌ی خالصانه‌ی هم‌نوعان از طریق توسّل به شیوه‌ها و شگردهای متنوع و غالباً مبالغه‌آمیز و فریب‌کارانه رفتاری مذموم و ناهنجار خوانده می‌شود؛ از منظر فونکسیونالیستی، باید گفت تکدّی‌گری درآمدی را برای بقا و ادامه‌ی حیات افرادی فراهم می‌کند که به دلایل مختلف(روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) قادر نیستند از طرق عادی نیازهای خود را برآورده سازند یا به‌دلیل بی‌کفایتی‌های ساختاری و شکست‌های سیاست‌های اجتماعی، جامعه قادر نیست به‌صورت آبرومندانه برای آنان کار، و درآمد فراهم کند، از این‌رو به‌عنوان سرریزها و مطرودین اجتماعی، بی‌تقصیر ولی عامدانه از روی در یوزگی تن به گدایی می‌دهند و در طی زمان در یک فرایند تحقیرکننده‌ی شخصیت و تنزّل‌دهنده‌ی عزت نفس، تکدّی به شغل عادی آن‌ها مبدل می‌شود. به‌همین سبب، نمی‌توان مرتکبین را، صرف نظر از نکوهیده بودن نفس عمل، صرفا بر اساس تبیین‌های روان‌شناسانه به بی‌همّتی وعافیّت‌طلبی متهم کرد، چون غالباً این حالت‌ها پدیده‌های مؤخری‌اند که بعد از شرایط و موانع دیگر(ساختاری و یا معلولیت‌های جسمی، طبیعی و غیره) رخ می‌دهد. همین‌طور، تکدّی‌گری این است که چون این عمل در ظاهر به شکل درخواست عاجزانه و بی‌آزارانه و غالباً بی‌تقصیرانه انجام می‌شود، در اکثر جوامع علی‌رغم غیرقانونی‌بودن، با آن مدارا می‌شود و همانند سایر رفتارهای انحرافی و ناهنجارگونه برخورد نمی‌شود. استدلال اصلی مقاله این است که درخصوص تکدّی‌گری دو دسته عوامل نقش اساسی را ایفا می‌کنند. دسته اول به تمایلات عام نوع‌دوستانه و خیرخواهانه‌ی انسان‌ها(بدلایل زیستی- اجتماعی) مربوط می‌شود که زمینه پاسخ به سائلان و نیازمندان هم‌نوع را فراهم می‌کند؛ دوم به شرایط و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

محیط‌های مستعد کننده ارتباط پیدا می‌کند که طیف وسیعی از وضعیّت جسمانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی فردی تا محیط‌های فیزیکی و وقایع خاص را در برمی‌گیرد که نیازمندی حاد یا وانمودی آن را تسهیل می‌کند و امکان دریافت پاسخ‌های مورد انتظار با برانگیختگی عواطف انسانی و احساسات ترحم‌برانگیز میسر می‌کند.

به عبارتی می‌توان گفت که پدیده ای مانند تکدی گری تحت تأثیر منظومه‌ای از عوامل اجتماعی و اقتصادی و وقایع خاص به‌وجود می‌آید. اگر چه وجود این عوامل بر همه‌ی افراد تأثیر یکسانی ندارند، نبود این عوامل سبب می‌شود با نبود یا کاهش چشمگیر این پدیده مواجه شویم. همان‌گونه که از مناظرات و مصاحبه‌ها با متکدّیان نمونه معلوم شد، عاملی مانند فقر سبب می‌شود که افراد از دسترسی به سطح تحصیلات مناسب، کسب مهارت و درمان بیماری باز بمانند؛ یعنی با فقدان یا کمبود قابلیّت اجتماعی مواجه گردند و از طرف دیگر کمبود یا فقدان قابلیّت‌های اجتماعی سبب تشدید فقر می‌شود. به همین ترتیب کمبود قابلیّت‌های اجتماعی سبب بی‌کاری و بی‌کاری به نوبه‌ی خود سبب کاهش درآمد و فقر نیز مانع از به‌دست آوردن قابلیّت‌های اجتماعی مناسب می‌شود. مشکلاتی مانند فقر، بی‌کاری، بیماری، انزوا و مانند این‌ها، سبب گرفتاری افراد در آن‌چه رابرت چمبرز تله‌ی محرومیّت می‌نامد می‌شود؛ به‌طوری‌که در تصویر مشاهده می‌شود وجود هریک از مشکلات، مشکلات دیگر را تشدید می‌کند، البته برای تکدّی‌گری خانه‌های بیش‌تری قابل ترسیم است. وجود این مشکلات در غیاب نهادهای حمایتی مؤثر و فراگیر و نبود فرصت‌های مناسب اشتغال به‌همراه ضعف نفس و جسم سبب سقوط افراد به ورطه‌ی تکدّی‌گری شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

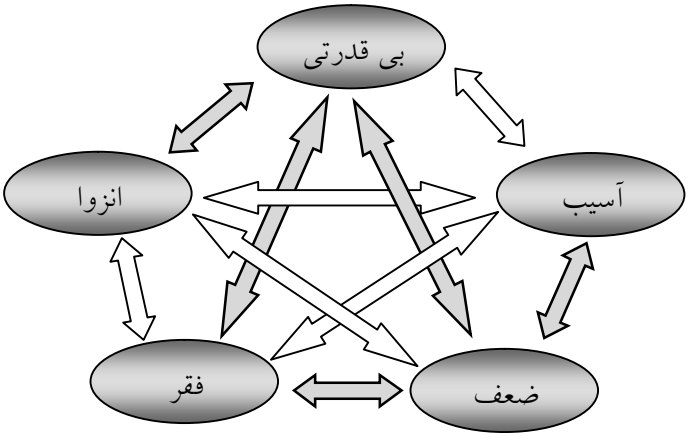

مأخذ:(چمبرز، ١٣٧٦: ١٤٤)

با این وصف، می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل در ارتباط با یک‌دیگر بر تکدّی‌گری تأثیرگذار است. از این‌رو لازمه‌ی درمان معضل تکدی گری دیدن همه‌ی عوامل با یک‌دیگر است. برای مثال با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در مناطق مهاجر فرست، می‌شود از مهاجرت‌های بی‌رویه جلوگیری کرد؛ و گسترش مراکز و کارگاه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و جذب افراد فاقد مهارت در دستور کار قرار داد؛ از بی‌عدالتی‌ها کاست؛ سال‌مندان و از کار افتادگان و قشرهای فقیر را از طریق گسترس نظام‌های تأمینی گسترش داد؛ خانواده‌ها و مشکلات آنان و حمایت از فرزندان خانواده‌هایی که دچار گسست و نابه‌سامانی گشته‌اند را محور سیاست‌های اجتماعی قرار داد؛ و مردم را نسبت به تمییز فقرای مستحق کمک از فقرای غیر مستحق و بی‌همّت و عافیت‌طلب آگاه ساخت.

یادداشت‌ها

١. برای مثال در بلژیک و ایالات متحده حق گدایی قانوناً مجاز شناخته شده است، در حالی که در انگلستان و فرانسه گدایی آشکار ممنوع است(آدریانسنز و هندریکس ٢٠١٠: ٢٤).

٢. خانواده‌ی نابه‌سامان، خانواده‌ای است که از فقدان مرد یا زن خانه به دلایل وفات یا جدایی رنج می‌برد و یا مرد یا زن و یا هردو دچار اعتیاد هشتند. هم‌چنین خانواده‌ای که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

روابط میان زن و مرد سرد و همراه با خشونت باشد نیز در شمار خانواده‌ی نابه‌سامان قرار می‌گیرد.

۳. خانواده‌ی به سامان، خانواده‌ای است که اعضای آن دارای هم‌بستگی کامل هستند و روابط اعضای آن صرفاً به‌غلت ملاحظات قانونی، حقوقی و اجتماعی نیست؛ بلکه رابطه‌ی قلبی، روحی و عقلیِ عمیقی بین اعضای آن برقرار است.

منابع

۱. بلیک‌مور، کن(۱۳۸۵) **مقدّمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی**، ترجمه‌ی علی‌اصغرسعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین‌اجتماعی.

۲. بیرو، آلن(۱۳۷٦) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.

۳. چمبرز، رابرت(۱۳۷٦) **توسعه‌ی روستایی**، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

٤. حاجیان مطلق، محمود(۱۳۸۱) «تأملی بر پدیده‌ی تکدی و ریشه‌های آن در ایران»، **مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران**، جلد پنجم، تهران: نشر آگاه.

۵. دهخدا، علی اکبر(۱۳٦٤) **لغت‌نامه**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

٦. رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۳) **جامعه روستایی و نیازهای آن**، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

۷. ساروخانی، باقر(۱۳۸۰) **مقدّمه‌ای بر دایرة المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان.

۸. ستوده، هدایت الله(۱۳۷۸) **آسیب‌شناسی اجتماعی(جامعه‌شناسی انحرافات)**، تهران: نشر آوای نور.

۹. شکوری، علی(۱۳۸٤) رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آن‌ها، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، شماره‌ی ۱۸، سال پنجم، ۳۵۷-۳۸۷.

۱۰. عبداللهی، محمد(۱۳۸۰) «طرح مسایل اجتماعی، اهداف و ضرورت‌ها»، **نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه نامه‌ی دومین همایش مسایل اجتماعی ایران**، جلد سوم.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۱. فیتزپتریک، تونی(۱۳۸۳) **نظریه‌ی رفاه**، ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۱۲. کامکار، مهدیس(۱۳۸۲) «سیاست اجتماعی چیست»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال دوم شماره‌ی ۱۰.

۱۳. محمودی، وحید و صمیمی فر، علیرضا(۱۳۸٤) «فقر قابلیّتی»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شماره‌ی۱۷.

۱٤. مزلو، آبراهام هرولد(۱۳٦۷) **انگیزش و شخصیت**، ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

15. Adriaenssens and J. Hendrickx(2011) “Stree-level informal economic activities: estimating the yield of begging in Brussels”, **Urban Studies**, vol. 48, no 1, pp. 23-40.
16. Beck , U. and C. Lau(2005) “Second Modernity as a Research Agenda: Theoretical and Empirical Exploration in the 'meta-change' of Modern Society”**, British Journal of Sociology**, vol. 56, no. 4, pp. 525-57.
17. Becker, D. J(2009) “A critical evaluation of the historical and contemporary justifications for criminalizing begging”**, Journal of Criminal Law**, vol. 73, no. 3, pp. 212-240.
18. Butovskaya, M. F. Salter and I. Diakonov and A. Smirnov(2000) “Urban begging and ethnic nepotism in Russia”, **Human Nature**, vol. 11, no. 2, pp. 157-182.
19. Byrne, D(2005) **Social exclusion**, New York. McGraw-Hill.
20. Dean, H. and K. Gale(1999) “Begging and the contradictions of citizenship, in: H. Dean(ed.)”, **Begging questions: street-level economic activity and social policy failure**, pp. 13-26. Bristol: Policy Press.
21. Donovan, M. G(2008) “Informal cities and the constellation of public space: the case of Bogota's street vendors, 1988-2003”, **Urban Studies**, vol. 45, no. 1, pp. 29-51.
22. Farrugia, D(2011) “The Symbolic burden of homelessness: towards a theory of youth homelessness as embodied subjectivity”, **Journal of Sociology**, http://jos. sagepub. com/
23. Gordon, D(2000) **Poverty and social exclusion in Britain**, York, Joseph Rowntree Foundation.
24. Hopkins Burke, R(2000) “The Regulation of Begging and Vagrancy: A Critical Discussion”, **Crime Prevention and Community Safety: An International Journal**, no. 2, pp. 43-52
25. Mitchell, D(2005) “The S. U. V. Model of Citizenship: Bubbles, Buffer Zones, and the Purely Atomic Individual”, **Political Geography**, no. 24, pp. 77-100.
26. Myers, D(1988) **Social Psychology**, Second Edition. y, A Study of A Science, New York: McGrow-Hill. Maxwell, J. A(1996) **Qualitative Research Design, an Interactive Approach**, London: Sage. Campell, D. T(1988) Social

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

Attitudes and Other Acquired Behavioral Dispositions, in S. Koch(ed), Psychology.
27. Page, R(1996) **Altruism and the British Welfare State**, Aldershot: Avebury
28. Phillips. David(2006) **Quality of Life: Concept, policy and practice**. New York. Routledge.
29. Sen, A. K(1999) **Development as Freedom**. Oxford University Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]